

The Challenge of the Modern State and Salafi Activism in the Arab Middle East a Civilizational Security Perspective

Roohollah Talebi Arani *Corresponding Author*, Assistant Professor of International Relations, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. E-mail: r_talebiarani@sbu.ac.ir

Jamal Gavili kilaneh PhD student of International Relations, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. E-mail: gavilipolitics@gmail.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Civilizational Security,
Modern State,
Salafism,
Arab Middle East

ABSTRACT

In the 1970s the Arab Middle East completed the formation of its modern state system resulting in every Arab land having its own sovereign state. This coincided with the decline of Pan-Arabism and a shift towards pragmatic Arab governments focusing on nationalism rooted in land. As this was happening Salafism also became more politically active and began opposing these trends. This article aims to analyze the security challenge posed by Salafists to the modern government in the Arab Middle East which serves as the core of the Islamic world. By utilizing critical security studies literature content analysis of relevant texts and studying the positions and actions of Salafists over the past five decades it is argued that the perceived threat from the modern government to the civilizational security of Salafists generates a sense of insecurity prompting them to engage in political activism and strive for the establishment of an Islamic state or caliphate. The research findings suggest that the construction of a modern state in the Arab Middle East necessitates the coexistence of Salafist ideologies and governance norms. Therefore, maintaining a delicate balance between these two factors is crucial for the stability of the modern state system in the region.

Cite this Article: Talebi Arani, R., & Gavili kilaneh, J. (2024). The Challenge of the Modern State and Salafi Activism in the Arab Middle East: a Civilizational Security Perspective. *International Relations Researches*, 14(1), 63-88 doi: [10.22034/irr.2024.441271.2503](https://doi.org/10.22034/irr.2024.441271.2503)



© Author(s)

Publisher: Iranian International Studies Association

DOI: [10.22034/irr.2024.441271.2503](https://doi.org/10.22034/irr.2024.441271.2503)



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چالش دولت مدرن و فعال‌گرایی سلفی در خاورمیانه عربی از منظر امنیت تمدنی

روح اله طالبی آرانی نویسنده مسئول، استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه:

r_talebiani@sbu.ac.ir

جمال گوبلی کیلانه دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه:

gavilipolitics@gmail.com

چکیده	درباره مقاله
<p>نظام دولت مدرن در خاورمیانه عربی در آغاز دهه ۱۹۷۰ تکمیل شد به گونه‌ای که دیگر هیچ سرزمین عربی فاقد دولت حاکمیت‌دار مدرن نبود؛ اما در عین حال، پان عربیسم نیز رفته‌رفته رنگ باخت و دولت‌های عربی عمل‌گرایی پیشه کردند و توجه خود را بر نوعی ملی‌گرایی وطنی سرزمین‌بنیان متمرکز ساختند. به موازات این تحولات، سلفی‌گرایی نیز بیش‌ازپیش رنگ سیاسی به خود گرفت و در برابر این روندها علم مخالفت برافراشت. آنچه در این میان درخور بررسی به نظر می‌رسد ارایه تحلیل مناسبی درباره چالش‌گری امنیتی سلفی‌گرایان علیه دولت مدرن در خاورمیانه عربی به‌عنوان گرانگه سرزمینی جهان اسلام است. در این چارچوب، در مقاله حاضر، با بهره‌گیری از ادبیات انتقادی مطالعات امنیتی، با استفاده از تحلیل محتوای متون مرتبط و مواضع و رفتارهای سلفی‌گرایان در طی بالغ بر پنج دهه اخیر، استدلال می‌شود که «تهدید دولت مدرن علیه امنیت تمدنی سلفی‌گرایان نوعی احساس ناامنی در آنها پدید آورده است به حدی که آنها را از لاک اندیشه‌پردازی بیرون آورده و به فعال‌گرایی سیاسی که در تلاش آنها برای تشکیل دولت اسلامی یا تاسیس خلافت اسلامی نمود یافته است کشانده است». یافته پژوهش حاکی از آن است که ساخت دولت مدرن در خاورمیانه عربی لاجرم بر ایند هم‌نشینی انگاره‌های سلفی‌گرایانه و هنجارهای حاکمیت‌بنیان خواهد بود. در نتیجه، پایداری نظام دولت مدرن در خاورمیانه عربی نیز در گرو برقراری توازن ظریف میان این دو عامل تعیین‌کننده به نظر می‌رسد.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>کلیدواژه‌ها: امنیت تمدنی، دولت مدرن، سلفی‌گرایی، خاورمیانه عربی.</p> <p>تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱</p>

استناد به این مقاله: روح اله، & گوبلی کیلانه، جمال. (۱۴۰۳). چالش دولت مدرن و فعال‌گرایی سلفی در خاورمیانه عربی از

منظر امنیت تمدنی. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۱)، ۶۳-۸۸. doi: 10.22034/irr.2024.441271.2503.

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





فروپاشی خلافت عثمانی نقطه عطفی در شکل‌گیری خاورمیانه مدرن عربی به شمار می‌آید چراکه به دنبال این رویداد مهم در جهان اسلام، در یک بازه زمانی نزدیک به نیم قرن، دولتهای عربی یکی پس از دیگری به استقلال حاکمیت بنیان یافتند و دولت مدرن تشکیل دادند، به گونه‌ای که این روند با خروج انگلستان از شرق سوئز و حاکمیت یابی دولتهای کوچک خلیج فارس در آغاز دهه ۱۹۷۰ تکمیل شد. در این میان، به موازات تحولات ناشی از فروپاشی خلافت عثمانی در نظام دولت مدرن خاورمیانه عربی، نحله‌های فکری گوناگونی در جهان عرب شکل گرفتند: برخی خلافت را ناکارآمد دانسته و از الغای آن استقبال می‌کردند، حال آنکه عده‌ای دیگر در فکر احیای نظام سیاسی اسلامی بودند. این کشاکش اندیشه‌ورزانه در طی پنج دهه تکوین نظام دولت مدرن در خاورمیانه عربی در چنبره فعال‌گرایی پان‌عربی قرار گرفت و مجال بروز عملیاتی نیافت. با این حال، در نتیجه تکمیل نظام دولت مدرن در خاورمیانه عربی، پان‌عریسم نیز رفته رفته رنگ باخت و دولتهای عربی عمل‌گرایی پیشه کردند و توجه خود را بر نوعی ملی‌گرایی وطنی و سرزمین‌بنیان‌متمركز ساختند. به موازات این تحولات، سلفی‌گرایی نیز بیش از پیش رنگ سیاسی به خود گرفت و در برابر این روندها علم مخالفت برافراشت. در این میان، آنچه این چالاک‌دو باره اسلام سیاسی را از قبل متمایز می‌ساخت ظهور سلفی‌گرایان جهادی بوده است: در حالی که دیگر گروه‌های اخوانی و اعتدالی قدم در راه پذیرش (هرچند موقت) دولت مدرن و کارکردهای آن می‌گذاشتند، سلفی‌گرایان جهادی، دولت مدرن را طاغوت و نظام کفر می‌دانستند. بر همین اساس، آنها که در دوران تکوین دولت مدرن به دولت آل سعود اکتفا کرده بودند و یا حداقل هیچ گونه تلاش نظری نیز برای بازگشت به خلافت نداشتند. رفته‌رفته با مبارزه مسلحانه و کمک‌های مادی فراوان به گروه‌های مبارز به ویژه در سوریه، عراق و یمن در پی سرنگونی دولتهای موجود و احیای نظام سیاسی اسلامی و پروژه سیاسی ایدئولوژیک خود رفتند، روندی که حتی در سالهای اخیر، علی‌رغم تضعیف و شکست سرزمینی داعش، همچنان پایرجا مانده است و هر لحظه می‌تواند به‌عنوان منبع ناپایداری دولت مدرن در خاورمیانه عربی رخ نمایاند.

در این چارچوب، آنچه در این میان درخور بررسی به نظر می‌رسد ارایه تحلیل مناسبی درباره چالشگری فعال‌گرایان سلفی‌گرایان علیه دولت مدرن در خاورمیانه عربی به‌عنوان گرانیگاه سرزمینی جهان اسلام است. بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که «چگونه سلفی‌گرایان در طی پنج دهه اخیر رفته رفته از لاک اندیشه‌پردازی بیرون آمده‌اند و به فعال‌گرایی جهادی که در تلاش آنها برای چالشگری امنیتی با



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



می‌پردازند. یک دسته دیگر از آثار به انگیزه‌های طغیان سلفی‌گرایی پرداخته و معمولاً چالش اسلام و سکولاریسم به طور کلی و یا اسلام و جهانی‌شدن را مورد بررسی قرار داده‌اند. مناب‌لند (2013) با طرح اختلافات مفهومی بین برداشت اسلامی و مدرن، هانتز (۱۳۸۱) با طرح شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی، قوام (۱۳۸۳) در ذکر فرهنگ مصرفی غرب، بیلز (۱۳۸۳) در خصوص اسلام در بحران مدرنیزاسیون، ترنر (۱۳۸۱) و راجر اسکروتن از جمله آثاری هستند که بنیادگرایی در جهان اسلام را نتیجه تهدید باورهای مذهبی مسلمانان در روند جهانی‌شدن می‌دانند. برخی از این آثار را نیز باید امنیت‌محور نامید که به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند. نخست، شامل بررسی امنیت در چارچوب نظریات جریان اصلی و دوم نیز بررسی سازه‌انگاره امنیت است. چون پژوهش حاضر در درون دسته دوم قرار می‌گیرد. به چند مورد از این آثار اشاره خواهد شد. اکبری و صدر (۱۳۹۲) چارچوب سازه‌انگاری را زمینه مناسبی برای تحلیل تحولات کشورهای عربی قلمداد می‌کنند. حاجی‌مینه و وزین (۱۳۹۸) با توجه به تروریسم و تهدیدات غیردولتی، ویژگی‌های مکتب کپنهاگ را مناسب تحلیل و تبیین امنیت می‌دانند. محمدی‌کیا (۱۳۹۹) با روش‌شناسی گفتمان فوکویی، در پی پاسخ به امکان حضور و نحوه ایفای نقش جنبش‌های جهادی در آینده می‌باشد.

در مقام جمع‌بندی باید گفت که هیچ‌کدام از این آثار به وضعیت ذهنی/عینی سلفی‌گرایی در برابر امر عینی درون‌خاورمیانه عربی یعنی نظام دولت مدرن نپرداخته‌اند. به بیان بهتر سلفی‌گرایی را در بافت خاورمیانه عربی ندیده‌اند. بافتی که ویژگی بارز آن، درنوردیده شدن به وسیله نظام دولت مدرن است. و علاوه بر این تمامی آثار، اقدامات سلفی‌گرایان را واکنشی دانسته‌اند. این در حالی است که اقدام آنها شامل کنش اولیه برای ابراز وجود در بافت نظام دولت مدرن خاورمیانه عربی نیز می‌شود. با بررسی آثار حوزه امنیتی نیز می‌توان به این نتیجه رسید که هیچ‌کدام از این آثار، سلفی‌گرایان را به‌عنوان مرجع امنیت در برابر دولت مدرن به مثابه منبع تهدید در نظر نگرفته‌اند. بلکه معمولاً منبع ناامنی را نه دولت ملی بلکه تمدن غرب و تهاجم فرهنگی آن را به‌عنوان منبع ناامنی بیان کرده‌اند. بدین سان، به این نتیجه می‌توان رسید که تأثیر تکوین دولت ملی در خاورمیانه بر سلفی‌گرایان، به نحوی که موجب احساس ناامنی آنها شود و به فعال‌گرایی آنها بیانجامد، چندان مورد بررسی قرار نگرفته است.

۲. چارچوب مفهومی: از امنیت ملی به امنیت تمدنی

در تلاش برای رفع نارسایی‌هایی که در ارزیابی پیشینه پژوهش اشاره شد، در این قسمت تلاش می‌شود چارچوب مفهومی مناسبی برای پاسخ دادن به پرسشی که مطرح شده است ارایه گردد. در این راستا، در



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



توجه به «انسان» در کنار دولت و توجه به جنبه‌های غیرنظامی امنیت افزایش یافت (ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۱۲۱-۱۱۹). در این برهه، سه موضوع کاهش اهمیت قدرت نظامی، نیاز به بازنگری و اتخاذ دیدگاه وسیع در مورد روابط بین‌الملل و امنیت ملی انکارناپذیر بود (Baldwin, 1996: 1-2). توجه به فرهنگ و مسائل ذهنی در مباحث امنیتی مطرح شد و روابط بین‌الملل بعد از جنگ سرد، هویت‌محورتر از دوره قبل از آن شد (Aybet and Muftuler-Back, 2000: 570) و مفهوم امنیت با هویت گره خورد (Cho, 2012: 301-299). دستورکار امنیتی جدید، هوادار توجه به امنیت «اجتماعی یا انسانی» بود. از این دیدگاه باید پاسداری از بهروزی «بشر» در اولویت تحلیل‌های محققانه قرار می‌گرفت (ماندل، ۱۳۸۷: ۲۳-۱۸).

نظریه امنیت هستی‌شناختی یکی از نظریه‌های مربوط به موج جدید مطالعات امنیتی است. از این نگاه در بسیاری مواقع، رفتار کشورها را نمی‌توان بر اساس امنیت‌طلبی فیزیکی صرف تبیین کرد (استیل، ۱۳۹۴: ۷-۱۶). امنیت هستی‌شناختی در سطح فردی ناشی از نظریات گیدنز (Giddens, 1981: 39) است و به معنای داشتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های بنیادین مطرح برای انسان است. موقعیت‌های بحرانی این تداوم پاسخ‌ها را تهدید کرده و تشویش و «اضطراب» تولید می‌کنند. (استیل، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۳). از دیدگاه گیدنز احساس امنیت هستی‌شناختی مربوط به اعتماد و اطمینان داشتن به ماهیت جهان است. خوش‌بینی نسبت به اینکه جهان و اشیا به طور کلی بر روی اصول کار می‌کنند (Browning & Joenmem, 2017: 35). پیش‌فرض بیشتر نوشته‌های مربوط به امنیت هستی‌شناختی آن است که بازیگر (با تاکید ویژه بر دولت) «ثبات و قطعیت» را در نسبت با «تغییر» ترجیح می‌دهد (Ibid, 2017:31).

به هر حال، امنیت انسانی پس از جنگ سرد برای رفع کاستی‌های امنیت ملی، تلاش می‌کرد علاوه بر مدنظر داشتن مفروضهای امنیت ملی ابعاد تازه‌ای از امنیت را بکاود. اما همچنان در فضای امنیت ملی باقی ماند چرا که مهمترین مرجع امنیت را همچنان دولت می‌دانست. امنیت هستی‌شناختی نیز با ورود به روابط بین‌الملل، دولت‌محور شد. در نتیجه، این نظریه نمی‌تواند مناسبات امنیتی را که یک طرف آن دولت و طرف دیگر آن، غیر دولت باشد تحلیل کند، به ویژه اگر دولت در جایگاه مساله و منبع تهدید قرار داشته باشد و بازیگر غیردولتی مرجع امنیت لحاظ شود.

بر این اساس، ما می‌توانیم امنیت تمدنی را به‌عنوان مفهوم پایه‌ای جهت رفع این نارسایی دراندازیم: منظور از امنیت تمدنی^۱، ارائه یک چارچوب مفهومی درباره امنیت است تا بتوانیم دغدغه امنیتی یک

¹ Civilizational security



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



و اعتباری است. فقدان حاکمیت به معنای عدم مجال مدیریتی، اجرایی و تصمیم‌گیری در عرصه داخلی و خارجی است. این برخورد را جامعه جهانی و تمدن دارای حاکمیت با برخی گروه‌های قومی و ادیان دارد. همچنان که در بعد هویتی امنیت تمدنی بایستی برای سوالات وجودی و اساسی مربوط به هویت پاسخ داشت تا فرد و یا گروه احساس اضطراب و شرم نداشته باشد و امنیت حاصل شود؛ در بعد حاکمیتی امنیت تمدنی نیز فرد و گروه دولت‌خواه باید به جایگاه قدرت سیاسی و حاکمیتی دست یابد تا احساس «حقارت» نداشته باشند.

بدین سان، در امنیت تمدنی، خود دولت ملی (مدرنیته سیاسی) عامل، منبع، مسئله یا موضوع تهدید و ناامنی علیه برخی گروه‌ها و تنظیمات دینی یا قومی است. نظام بین‌المللی شکل‌گرفته از این دولتها نیز در سطح بین‌المللی و حاکمیتی یک منبع دیگر تهدید است. عدم شناسایی بین‌المللی، تهدید پرستیژ یا اعتبار بین‌المللی این گروه‌ها را در پی دارد. در همین راستا، مرجع امنیت می‌تواند یک گروه فرهنگی، دینی و یا قومی باشد. دولت‌ها بازیگران اصلی سیاست جهانی هستند اما آنها تنها بازیگران این عرصه نیستند (Atamari, 2003:1-3). بر همین اساس، مرجع امنیت می‌تواند یک گروه غیردولتی باشد که چه‌بسا از جانب دولت مدرن تهدید می‌شود. در باب چگونگی حصول به امنیت در امنیت تمدنی، افراد به صورت فردی و در قالب گروهی (سازمانی)، ممکن است برای تأمین امنیت خود (در برابر تهدیدات دولتی و غیردولتی) دست به اقداماتی بزنند (بوزان: ۷۰-۶۹). به یقین یکی از راه‌ها و راهبردهای اساسی مبارزه با ناامنی تمدنی و مقابله با هجمه تمدنی برای برخی گروه‌ها، تأکید بر هویت و اصالت‌ها و ارزش‌های دینی یا قومی خودشان است. اما تاکتیک‌های آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد. یکی از این تاکتیک‌ها تلاش برای تصاحب قدرت سیاسی است. به عبارت بهتر، آنها برای در امان ماندن ارزشهای خود از تهدید دولت ملی و مدرنیته سیاسی به ایده دولت مطلوب خود پناه می‌برند.

۳. دولت مدرن: مساله امنیتی

دولت در شکل نوین آن یک آفریده منحصر به فرد تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اروپا است (Opello, 1999: 5). این تحولات اروپا همزمان با دوره عثمانی در جهان اسلام بود. بعد از فروپاشی نهاد خلافت، نحله‌های فکری گوناگونی ظهور کرد (Pankhurst, 2013: 32-34). مهمترین آن، ملی‌گرایی بود. چهارچوب کلی ظهور ملی‌گرایی و دولت مبتنی بر آن در جهان اسلام ناشی از توسعه اروپا و فرایند جهانی‌سازی آن بود. مهمترین ویژگی‌های دولت مدرن را انحصار ابزار خشونت، سرزمین، حاکمیت، قانون اساسی، حکومت قانون و اعمال قدرت غیرشخصی، بوروکراسی عمومی، اقتدار و مشروعیت و



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



(مراجع) نه تنها با افزایش تعداد اعضای دولت‌ها بیشتر می‌شود، بلکه از سطح دولت‌ها به سطح افراد پایین می‌آید و نیز تا سطح بین‌المللی بالا می‌رود (بوزان، ۱۳۹۰: ۴۲). سلفی‌گرایان نیز می‌توانند یکی از این مراجع و اهداف امنیت باشند. جریان سلفی‌گرایی خشونت‌محور، امروزه دیگر گروه‌ها را به ویژه در بحث مبارزات سیاسی و درافتادن با رژیم‌های موجود در جهان اسلام و به ویژه جهان عرب به حاشیه رانده است.

هرچند برخی از مردم با کنار گذاشتن هویت‌های ملی به نفع هویت‌های جهانی، دنیایی از ارتباطات چندفرهنگی را در آغوش کشیده‌اند، ولی دیگرانی در حال عقب‌نشینی به دنیای هر چه بیشتر خصوصی شده‌اند که در آن تا حد ممکن ارتباط خود را با افراد متفاوت از خوشان قطع می‌کنند. (Opella, 1999)

1) برای سلفی‌گرایان، دوران سلف صالح که عبارت از سه قرن اولیه صدر اسلام است، مکان نمونه‌عالی، مکان قدسی، وطن قدوه‌ها و رهبران فکری، عصر زرین و مکان اصالت و هویت است. این گذشته عناصر مقدسی‌اند که باید محفوظ و احیا گردند. این احیاگری و حفظ عناصر مقدس در بین اسلام‌گرایان متفاوت است.

هرچند بیشتر گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه از فعالیتهای مسلحانه خود فاصله گرفته‌اند و بیشتر به دنبال بومی کردن (اسلامی کردن) دولت از پایین هستند (هالیدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۳)، ولی سلفی‌گرایان جهادی اکثراً بر آثار سید قطب (به ویژه مقولاتی که او در باب "جاهلیت" و "حاکمیت") و نیز بر اثر عبدالسلام فرج یعنی "فریضه غایبه" او تکیه دارند (حسن ابوهنیه، کانال یوتوب). این نوع سلفی‌گرایی را «سلفی‌گرایی باورمند به توحید حاکمیت» می‌توان نام نهاد.

در اوایل اسلام، خوارج مبحث حاکمیت را مطرح کردند. آنها حاکمیت را از آن خدا می‌دانستند به این معنی که حکم و سلطه کلا از آن خداست نه انسان (شحرور، ۲۰۱۵: ۳۵). ابوالاعلی مودودی مفاهیم "جاهلیت جدید" و حاکمیت خداوند را برای نخستین بار در عصر جدید مطرح کرد (شحرور، ۲۰۱۵: ۴۵). سید قطب "حاکمیت الهی" را به یک ایدئولوژی مستقل و دارای ابعاد سیاسی خطرناک تبدیل کرد. هر کس ادعای این حق را داشته باشد، ادعای الوهیت کرده است و چنین فردی کافر است؛ همچنین کسانی هم که پیرو او شوند کافرند (شحرور، ۲۰۱۵: ۶۳-۶۴).

تحول مهمی که در بروز سلفیه جهادی معاصر سهم اساسی داشت، امتزاج و تلفیق وهابیت با اندیشه سید قطب بود. حاصل تأثیر و تأثر بین وهابیت و قطبیت، تولد "سلفیه سروری" در عربستان بود. محمد سرور بن نایف زین‌العابدین کسی بود که سلفیه وهابی را با قطب‌گری ترویج کرد. در عمل نیز، در



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مورد حمله قرار داد. در واقع تمام مسئولیت‌های دولتی از مذهبی‌ها سلب و به غیرمذهبی‌ها واگذار شد (مارتین، ۱۳۸۹: ۱۹۶). در نتیجه، سلفی‌گرایان به طور کلی به انحای مختلف در تلاس برای بازستانی این مبانی از دولت بوده‌اند. بنیادگرایی [به ویژه از نوع اسلامی آن] در برابر ملی‌گرایی و جهانی‌شدن به طور کلی، مقاومت می‌کند. این مقاومت و نپذیرفتن ساختارهای موجود، به معنای جایگزینی مجموعه جدیدی است. ساخت "خود" و "دیگری" راهی برای تعریف "نوع برتر" و "نوع اسفل" است. (Kinnvall, 2004: 763) سلفی‌گرایان نخواهند پذیرفت که ملی‌گرایی و دولت مدرن به‌عنوان منبع هویت برتر، جا را بر آنان تنگ کند.

در این میان، تقابل شاخصهای دولت مدرن با ارزشهای مورد نظر سلفی‌گرایان موجب ایجاد حس تهدید و ناامنی در سلفی‌گرایان شده و امنیت آنها را به خطر انداخته است. این تقابل را می‌توان در دو بعد در نظر گرفت: قانون اساسی، منبع مشروعیت و شهروندی به‌عنوان ویژگی‌های دولت مدرن در بعد هویتی امنیت تمدنی سلفی‌گرایان مطرح است. این سه در برابر سه ارزش شریعت‌محوری، مقبولیت شرعی نظام سیاسی و "مبنای دینی خودی" سلفی‌گرایان قرار می‌گیرد. سه ویژگی دیگر دولت مدرن یعنی انحصار قدرت، حاکمیت و سرزمین، در بعد "حاکمیتی" امنیت تمدنی سلفی‌گرایان بیان می‌شود. این ویژگی‌ها بر بعد حاکمیتی و موجودیت خارجی و بین‌المللی سلفی‌گرایان بیشتر موثر است. این سه نیز در برابر "اداره الصراع" (اختیار تصمیم‌گیری)، موجودیت بین‌المللی و امت‌محوری قرار می‌گیرد. شش نقطه تلاقی و برخورد دو بعد هویتی و حاکمیتی در شکل زیر قابل مشاهده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۴-۱. بعد هویتی تقابل دولت مدرن و سلفی‌گرایان

در فعالیت گروه‌های اسلامی، تهدیدات هویتی در بستر جهانی شدن و نیروهای کنترل‌ناپذیر نفوذ خارجی (در کنار آسیب‌های اقتصادی-اجتماعی) عوامل مهمی هستند. در این نگاه، ارزش‌های اسلامی به لحاظ جهانی و محلی زیر حملات تند قرار گرفته و دولت‌ها در حمایت از اسلام و مسلمانان شکست خورده‌اند (هالیدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۲). «سند ۲۰۳۰» بن سلمان و اصلاحات ساختارشکنانه اجتماعی و سیاسی مندرج در این سند به ویژه موضوع حقوق و آزادیهای اجتماعی زنان و برداشتن بعضی تابوهای اجتماعی در کشوری که به عنوان سنتی و محافظه‌کارترین کشور شناخته می‌شود، نمونه بسیار مهمی از این تقابلات در عربستان است (سردارنیا و محسنی، ۱۳۹۸: ۳۳۲-۳۳۳). در زیر نقاط تقابل دولت و سلفی‌گرایی در بعد هویتی مطرح می‌شود.

الف- قانون اساسی در برابر شریعت‌محوری

یکی از ابعاد برخورد سیاست دولت و امنیت سلفی‌گرایی، در تقابل قانون و شریعت است. در حکمرانی تابع شریعت اسلامی، همه نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جمله قوای اجرایی و قضایی تابع شریعتند، از سوی دیگر خود شریعت قوه قانونگذاری است (مرادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۸). شریعت، تا پیش از قرن نوزدهم میلادی، یک جامعه نظامند و به‌سامان را پیش می‌برده است. از قرن نوزدهم به بعد، از طریق استعمار اروپایی، این نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سامان‌یافته توسط شریعت، رو به ضعف نهاد و تهی گشت. به عبارت دیگر، مرجعیت و پایگاه اجتماعی شریعت به نفع دولت مدرن از دست رفت (Hallaq, 2013: 5). به دنبال فروپاشی نهادی و فکری "نظم قانونی [فقهی] کلاسیک اسلامی"، مدل دولت ملت از اروپا به‌عنوان شکل حکومت وارد جهان اسلام شد. از این تاریخ به بعد، در کشورهای اسلامی شاهد ظهور جنبشهای مختلف اسلامی بوده‌ایم که با داعیه بازگشت به "شریعت اسلامی" بنیانهای دولت‌ملت را به چالش کشیده‌اند (Moussa, 2019: 48).

این تقابل بین دولت ملی و سلفی‌گرایی را می‌توان با عنوان حاکمیت قانون داخلی در برابر حاکمیت شریعت نام برد. از این رو، در جهان سلفی‌گرایی قائل به توحید حاکمیت، حاکمیت تکوینی و جبری، در انحصار خداوند است. حاکمیت تشریعی نیز حقی است که باید در انحصار خدا و قانون خدا باشد (اسکندری، ۱۳۹۱: ۱۹۵-۱۹۷). بر این اساس، اسلام‌گرایی شریعت‌خواه (به ویژه قائلیت به توحید حاکمیت) با دولت مدرن و قانون آن سازگار نیست (Meijer et al, 2021: 203-209). بدین‌سان، از نگاه



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



قائل شدن برای شریعت خداوند، به مانند شریک قرار دادن برای خود خداوند، کفر است و فرد را از دایره اسلام خارج می‌کند؛ و رابعاً استدلال می‌کند که اگر دموکراسی به معنای "اراده مردم" باشد، این به معنای نفی اراده خداوند و شریعت اوست (عبدالخالق، بی تا: ۲۰-۲۴). در مقابل، "امامت و "بیعت" ایده‌هایی هستند که در مقابله با "منبع مشروعیت" در دولت مدرن قرار می‌گیرد. در اندیشه سلفی گرایان، "بیعت" شامل هیچ بحثی درباره "شورا" یا رای‌دهندگان (عموم مردم) نیست.. انتخاب‌کنندگان خلیفه، نخبگان دینی (اهل حل و عقد) هستند. مومنان عادی (یعنی شهروندان) در انتخاب خلیفه در یک موقعیت فرعی قرار می‌گیرند. (Kannevall & Stanton, 2020: 8-13) در برداشت و اعلان این مفاهیم جایگزین، مضمون رد "منبع مشروعیت" در دولت مدرن نهفته است.

ج- شهروندی

شهروندی در اصل محصول دولت‌شهر یونان و بعداً اومانیزم رنسانس بود. اروپا و آمریکای شمالی از اواخر قرن ۱۸ و ۱۹ یک چارچوب نهادی شهروندی و هویت‌های ملی جدید ایجاد کردند. با ظهور ملی‌گرایی، این نهاد با فرهنگ‌های ملی‌گرای قومی مرتبط شد که به دنبال انسجام داخلی بیشتر بودند (Turner, 2011: 334). چنین جامعه و شهروندانی از دیدگاه سلفی‌گرایی مرتد شناخته می‌شوند. به همین دلیل است که سلفی‌گرایان در رژیم‌های شهروندی مدرن، جوامع شهروندی جایگزینی برای خود ایجاد می‌کنند و از هنجارها و آئین‌های اخلاقی خود پیروی می‌کنند. شهروندی عضویت در دولت است. حقوق و تکالیف شهروندی در قانون اساسی و سایر مقررات قانونی تعریف و تنظیم می‌شود. چه کسانی دموهای (مردم) تحت صلاحیت دولت را تشکیل می‌دهند؟ جنسیت، وابستگی مذهبی یا قومی و دیگر تمایزات چه تأثیری در شهروندی دارد؟ چه دلایلی برای مقررات تبعیض آمیز وجود دارد؟ (Meijer et al, 2021:1-3) اینها سوالاتی هستند که می‌توان بر اساس آنها تفاوت بین نگاه سلفی‌گرایان به شهروندی را با نگاه ملی‌گرایانه و سکولار را بررسی کرد.

سلفی‌گرایی، بدون هیچ تعارفی مسلمان‌محور است و در احکام همواره خطاب به یک فرد بالغ، عاقل و مسلمان است. رویکرد مسلمان‌محور به ملت‌بودگی، منجر به نابرابری پویا از رابطه بین خود و دیگری می‌شود. تنش با دیگری غیرمسلمان با ورود او به اسلام و یا انعقاد نوعی ترتیبات صلح بین آنها از بین می‌رود (Meijer et al, 2021:23-24). السرخسی در المبسوط واحدهای سیاسی جوامع اسلامی را شامل مسلمانان، مشرکان، مرتدان و اهل بغی (که بین آن‌ها و مسلمانان حالت جنگ برقرار است) می‌داند. همین تقسیم‌بندی کاملاً مسلمان‌محور است. جامعه مرکزی جامعه مسلمانان است و هر واحد سیاسی



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اعلامیه بالفور هستیم. حاصل این مداخلات خارجی و معاهدات متناقضشکل گیری نظام دولت مدرن در خاورمیانه عربی است (هالیدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۵). اما ایدئولوژیهای جهانشمول مانند اسلام و کمونیسم دارای عناصر قدرتمندی هستند که مخالف مفهوم اصل سرزمینی ملت دولت می‌باشد. در اسلام امت‌باوری به معنای فراملی بودن و فرا رفتن از مرزهای سیاسی و دولت‌ملتها می‌باشد. در این چارچوب، سلفی‌گرایان جهادگرا بر مبنای امت، به مفاهیم دیگری از جمله قومیت و نژاد بی‌تفاوت هستند. ایمن الظواهری بیان می‌داشت که "مسلمانان پیوندی مشترک دارند که بسیار مهم‌تر از هویت‌های قومی یا ملی است" (Souleimanlov, 2017:4).

اگرچه یک قرن پیش خلافت به عنوان سازمان سیاسی عملاً الغا شد، اما اندیشه امت‌محوری و تاسیس مجدد آن در ذهنهای سلفی‌گرایان هنوز زنده است (Al-Ahsan, 2015: 5). به قول واسرشتاین^۱، خلافت واژه‌ای عاطفی است زیرا یادآور گذشته باشکوه و قدرت امپراتوری اسلامی است (Clansmen, 2020: 5-6). خلافت می‌تواند به مانند شکوه انتخاب‌شده^۲ یعنی عظمت دورانی در گذشته به منظور "استقرار" روایت جدید به کار رود (مشیرزاده و خانلرخانی، ۱۳۹۹: ۱۲۷۵). مقایسه زمان و وضعیت فعلی جهان اسلام با گذشته آن و قبل از تشکیل دولت‌ملت نیز یکی از عواملی است که منجر به تحقیر دولت‌ملت توسط سلفی‌گرایان می‌شود. این خاطره شکوه و عظمت گذشته راه را برای احیای اشکال قدیمی حکومت هموار می‌کند. (Moussa, 2019: 48) در این میان، جهانشمولی پیروان گروه‌های جهادی و عضوگیری جهانی آنها حاکی از امت‌محوری آنان است. جذب اعضای جدید در این گروه‌ها به گونه‌ای است که در طی دو سال (۱۳۹۳-۱۳۹۴)، حدود ۲۰ هزار خارجی به گروه‌های جهادی در خاورمیانه مخصوصاً به داعش پیوستند. $\frac{1}{4}$ از این تعداد از شهروندان اروپایی بوده‌اند. در این راستا، در جهان‌بینی داعش، پایبندی به مرزهای مصنوعی که مسلمانان را از یکدیگر جدا می‌کند، بت‌پرستی است. (Meijer et al, 2021:176). به طور کلی، می‌توان گفت که سلفی‌گرایان، قائل به مرز هویتی‌اند. مرزی که تمام مسلمانان را تحت عنوان امت اسلامی از دارالکفر جدا می‌کند. این امر با واقعیت فعلی جهان اسلام و مرزهای جغرافیایی آن تناقض تام دارد. شاخص مشترک مرز هویتی موردنظر، اسلام است. در امت‌محوری سلفی‌گرایانه، جغرافیا، فضا، مکان و به طور خاص مرز موجود در جهان اسلام اگر حذف شود، اتحاد و انسجام امت اسلامی و شکوه و عظمت آن حاصل می‌شود.

¹ David J. Wasserstein

² chosen glory



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



روش‌های خاص خودشان در قالب مکتب‌خانه‌ها و زیر نظر علما و امامان مساجد به افراد آموزش می‌دادند. این علما در آموزش قرآن و فقه در مکتب‌خانه، کار نهادهای آموزشی را انجام می‌دادند (مارتین، ۱۳۸۹: ۶۷-۸). با گسترش بوروکراسی دولتی، قرار شد تا وظایف مذهبی در قالب تشکیلات جداگانه، اما زیر نظر دولت، انجام گیرد (همان: ۷۹) و آموزش نیز منحصراً در دستان دولت قرار گیرد.

همکاری حکومتها در بحران‌های حادث، با نیروهای خارجی یکی از مهمترین موارد نقض اداره الصراع نزد سلفی‌گرایان است. همه طیفهای تشکیل دهنده جریانهای منتقد و اپوزیسیون اسلام‌گرا اعم از الصحوه، جهادی‌ها و اخوانی‌ها از یک منظر در وا کنش به نفوذ گسترده قدرتهای غربی و ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه و وابستگی حکومت سعودی به این قدرتها به ویژه پس از حمایت حکومت سعودی از جنگ خلیج فارس علیه عراق گسترش یافتند. حمایت عربستان از آمریکا در جنگ خلیج فارس بر مشروعیت حکومت سعودی در نزد این گروهها، ضربه و آسیب جدی وارد کرد و این حکومت را دچار بحران سیستمی کرد. موافقتنامه عربستان با آمریکا در سفر ترامپ مبنی بر خرید تسلیحات به ارزش بیش از دویست میلیارد دلار، به شدت بر مشروعیت حکومت سعودی ضربه وارد کرد (سردارنیا و محسنی، ۱۳۹۸: ۳۴۲-۳۴۱).

ج- حاکمیت خارجی و موجودیت بین‌المللی

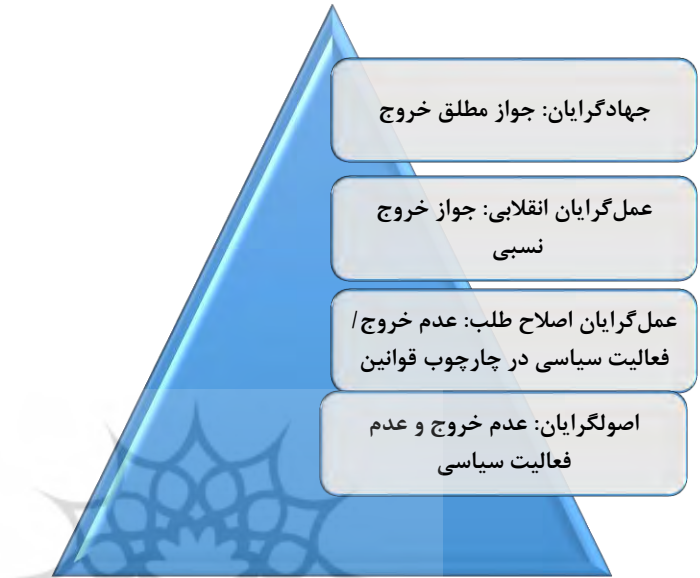
سلفی‌گرایی از قالب فردی به گروهی و جنبش درآمده و در پی کسب قدرت سیاسی و تبدیل به نهاد است. از این رو، با قدرت انحصاری مشروع یعنی دولت در خواهد افتاد و به دنبال شناسایی بین‌المللی خواهد بود. در گذشته و سلفیت قدیم و پیشامدرن، فعالیتها در قالب فردی شکل می‌گرفت. برای مثال، فعالیت ابن تیمیه و شاگردان او را می‌توان نام برد. تحولی که در این زمینه برای سلفی‌گرایی نوین روی داد آن بود که قالب فعالیت به شکل شبکه‌ای درآمد. برای مثال، یک سازمان و مرکز (مانند القاعده) به‌عنوان یک سرور، بر شاخه‌های زیادی فرمان می‌راند. شاخه‌های مختلف با سازمان مرکزی بیعت کرده و هر کدام در محدوده و مکانی خاص فعالیت می‌کنند. در دهه ۱۹۵۰ میلادی، آنها رفته رفته به یک سازمان فراملی تبدیل شدند (دریفوس، ۲۰۰۷). از دهه ۱۹۷۰ به بعد عربستان سعودی یک منبع بزرگ تأمین مالی این سازمان‌ها بوده است. جنگ افغانستان یک لحظه کلیدی برای ظهور یک نیروی شورشی در جهان اسلام بود. تأثیرات این منازعه به سرعت از مرزهای افغانستان فراتر رفت. جنگ اول خلیج فارس و نیز اشغال عراق و جنگ داخلی سوریه تعداد چریکهای جهادی در جهان اسلام را افزایش داد. یکی از ویژگی‌های مدرن سلفیت شکل سازمانی آن است. در حالی که در سلفیت کلاسیک ارتباطات به



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



حاکمیت در برابر تهدید دولت مدرن علیه امنیت تمدنی آنها در خاورمیانه عربی به سه شکل خود را نشان می‌دهد. که در شکل زیر در کنار موضوع اصول‌گرایی سلفی‌گرا، آمده‌اند.



نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی تأثیرات کارکردهای دولت مدرن بر امنیت تمدنی سلفی‌گرایان در ابعاد دوگانه هویتی و حاکمیتی بود. در این راستا، تلاش گردید تحلیل مناسبی درباره چالشگری امنیتی سلفی‌گرایان علیه دولت مدرن در خاورمیانه عربی به‌عنوان گرانگه سرزمینی جهان اسلام ارایه شود. در این چارچوب، در مقاله حاضر، با بهره‌گیری از ادبیات انتقادی مطالعات امنیتی، با استفاده از تحلیل محتوای متون مرتبط و مواضع و رفتارهای سلفی‌گرایان در طی بالغ بر پنج دهه اخیر، استدلال گردید که تهدید دولت مدرن علیه امنیت تمدنی سلفی‌گرایان نوعی احساس ناامنی در آنها پدید آورده است به حدی که آنها را از لاک اندیشه‌پردازی بیرون آورده و به فعالگرایی سیاسی که در تلاش آنها برای تشکیل دولت اسلامی یا تاسیس خلافت اسلامی نمود یافته است کشانده است. یافته پژوهش حاکی از آن است که ساخت دولت مدرن در خاورمیانه عربی لاجرم برایندهم‌نشینی انگاره‌های سلفی‌گرایانه و هنجارهای حاکمیت‌بنیان خواهد



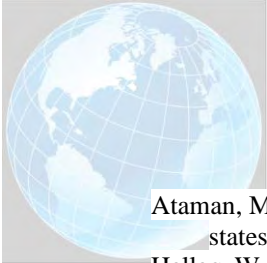
پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



- علی عبید، سعید(۲۰۰۸)، تنظیم القاعده النشاء، الخلفیة الفکریة، الامتداد، القاہرہ، مکتبہ مدبول(In Arabic).
- علی(کاروانی)، ابوبکر(۲۰۱۵)، داعش له نیوان توندره ویی نایینی و شکستی دوله تدا، چاپ خانه روژ هه لات(In Kurdish).
- قادر، نارام(۲۰۰۷). نیسلام و سیاست. چاپی یه که م، بلاوکرای تیشک. بی جا. (In Kurdish).
- قادی، سامرند(۲۷۲۰ کوردی). نیسلامی سیاسی له نیوان گمان و واقعدا. گوفااری تیشک، سال ۲۲، ژماره ۵۶. (In Kurdish).
- ماندل رابرت(۱۳۸۷)، **چهره متغیر امنیت ملی**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم
- محمدی کیا، طیبه(۱۳۹۹). حضور گروههای جهادی در جهان آینده جدید. **نشریه سیاست متعالیه**، ش ۳۱، صص ۳۴۰-۳۲۶.
- مرادی برلیان، مهدی، حسینی بهشتی، سیدعلیرضا، و قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۹۷). دولت متمتع: خوانش انتقادی نظریه امتناع دولت مدرن اسلامی حلاق. **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، سال ۱۹، شماره ۵۸.
- مشیرزاده، حمیرا، و خانلرخانی، حسین. (۱۳۹۹). امنیت هستی شناختی و ملی شدن صنعت نفت در ایران. **سیاست-مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، ۵۰(۴)، ۱۲۶۹-۱۲۹۲.
- هالیدی، فرد(۱۳۵۸)، **عربستان بی سلاطین**، انتشارات کتابسرا، تهران.
- هیوود، اندرو(۱۳۸۳)، **مقدمه نظریه سیاسی**، ترجمه عبدالرحمن عالم، نشر قومس، تهران
- هیوود، اندرو(۱۳۸۹)، **سیاست**، ترجمه عبدالرحمن عالم، نشر نی، تهران
- Ali, M. B. (2015). *Roots Of Religious Extremism, The: Understanding The Salafit Doctrine Of Al-wala'Wal Bara'* (Vol. 9). World Scientific. Available at: <https://b2n.ir/892838>
- Moussalli, A. (2009, January). Wahhabism, Salafism and Islamism: Who is the enemy. In *A Conflict Forum Monograph* (Vol. 1, pp. 1-39).
- Reza, Pnhurst, "The Inevitable Caliphate?", oxford university press, 2013.
- Bassam Tibi, Third Edition, Arab Nationalism Between Islam and the Nation-State, MACMILLAN PRESS LTD, 1997
- Christopher Pierson, THE MODERN STATE, This edition published in the Taylor & Francis e-Library, 2005
- Turner, B. S. (2011). *Religion and modern society: Citizenship, secularisation and the state*. Cambridge University Press.
- Kaneva, N., & Stanton, A. (2020). An Alternative Vision of Statehood: Islamic State's Ideological Challenge to the Nation-State. *Studies in Conflict & Terrorism*, 1-19.
- Wagay, S. A. Analyzing Maududian Discourse on Minorities in an Islamic State.
- Clausen, M. L. (2020). Unity, Segregation, and Obedience: Islamic State's Use of Quranic Verses and How It Relates to State-Building. *Studies in Conflict & Terrorism*, 1-18.
- McSweeney, B. (1999). *Security, identity and interests: a sociology of international relations* (No. 69). Cambridge University Press.
- Pierson, C. (2012). *The modern state*. Routledge.
- Jung, D. (Ed.). (2006). *Democratization and development: New political strategies for the Middle East*. Springer.
- Burgess, J. P. (Ed.). (2010). *Handbook of new security studies*. Routledge.
- Turner, B. S. (2011). *Religion and modern society: Citizenship, secularisation and the state*. Cambridge University Press.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



- Ataman, M. (2003). The Impact of non-state actors on world politics: A challenge to nation-states. *Alternatives: Turkish Journal of International Relations*, 2(1).
- Hallaq, W. (2012). *The impossible state: Islam, politics, and modernity's moral predicament*. Columbia University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی